

فاطمه جاودانه الگوی جاودان



اسوه جاودانه مقاومت، بانوی گرامی اسلام، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است. بانویی که در برابر انحراف و غصب خلافت، یک تنه به میدان آمد و از ولایت و امامت، جانانه دفاع کرد. همان بانویی که سیره او در حیا، عفاف و حجاب، بی نظیر و درس آموز بود و بهترین چیز را برای زنان، آن میدانست که مرد نامحرمی را نبیند و مردان نامحرم خویش معرفی نیز آنها



سنوار، جانی تازه

شهادت یحیی سنوار، از یک سو، خط بطلانی بر شبهات و تهمت هایی کشید که وی را ناصبی یا آخوانی و حتی از کسانی مینامیدند که در جنگ عراق علیه ایران شرکت داشته است و از سوی دیگر، جبهه عربی - غربی بود که مسلمانان را از کمک به حماس دور می کرد و جنگ اسرائیل با فلسطین را مسئله ای داخلی می نامید که اسرائیل، یاغی ای را که دست در دست ایران دارد، تنبیه می کند؛ حتی بودند کوردلانی که وی را جاسوس اسرائیل می گفتند که با حمله ۷ اکتبر، غزه را در شرف نابودی قرار داد. شهادت این بزرگ مرد بود که همه شبهات و تهمت ها را زدود و بسیاری از آنهايي را که در خواب خرگوشی بودند بیدار نمود. سنوار، با رشادتی که نشان داد، به یکی از قهرمانان تاریخ تبدیل شد و میلی که در آخرین لحظات، روی آن آرام گرفته بود، نماد مقاومت گردید. تصاویر بسیاری پخش شد که جوانان و نوجوانان، در فلسطین و کشورهای دیگر، بر روی میل می نشینند و یاد و خاطره او را زنده نگه می دارند؛ حتی فیلمی پخش شد که مجاهدان غزه، این میل را قبل از انهدام کامل خانه، خارج می کنند تا نماد مقاومت را برای آیندگان حفظ کنند.



عالمان دین، سدی در برابر استعمارگران

بر خلاف بسیاری از کشورهای منطقه، ایران هیچ گاه زیر سیطره و سلطه مستقیم استعمار قرار نگرفته است؛ یعنی ایران هیچ وقت مستعمره هیچ قدرت بیگانه ای نبوده و در هیچ کتاب تاریخی، از ایران به عنوان مستعمره یاد نشده است. ایران مستعمره نشد، چون همواره مردمانی در این سرزمین بوده اند که تا پای جان، برای حفظ آب و خاک آن، تلاش و مجاهدت ورزیده اند.



این روحیه سلحشوری، مرهون هدایت و راهبری مجاهدان و علمای دین بوده که باعث شده مردم در برابر متجاوزان، ایستادگی کرده، استقلال ملی و دینی خود را حفظ کنند. به طور مثال، جنگ اول ایران و روس، باعث جدا شدن بخش بزرگی از خاک ایران شد؛ اما اگر حضور علما در تشویق مردم به دفاع از وطن خویش نبود، دولت تزار روس، برای دستیابی به خلیج فارس، کل کشور را تصرف می کرد. فقیهان بزرگ ایران و عراق، درخواست عباس میرزا را پذیرفتند و فتوای جهاد علیه روس صادر کردند.

اگر از حکمت خاصی که برای هر اتفاقی وجود دارد، بگذریم، قانونی در خلقت وجود دارد به نام قانون «اسباب و مسببات» یا همان قانون «علیت». جهان طبیعت، بر پایه اسباب و مسببات استوار است و اصل کلاک و تراجم در طبیعت نهفته است. خواستن جهانی که بیماری، مرگ و میر و تنازع در میان آفریده های آن نباشد، در حقیقت، خواستن شیری است که فاقد خوی درندگی، پنجه افکنی و حمله وری در زندگی باشد. آتش در هر کجا باشد، اثر آن سوزاندن است؛ خواه در کعبه و مسجد، خواه در خانه. بنابراین، نمی توان انتظار داشت که جهان ماده، خارج از نظام علیت، کاری را صورت دهد. کسی که به صورت مادرزادی، دچار نقصی مانند نابینایی میشود، علل خاص مادی دارد و امکان ندارد با مهیا شدن همه علل، آن معلول ایجاد نشود. البته عدل الهی ایجاب می کند که گرفتاران و حادثه دیدگان بی گناه را از طریق پاداش های اخروی و یا تخفیف در احکام، کمک نماید.



چرا من؟

سایت: www.Shobhe.pasokh.org کانال ایتا: @shobahat_mag

pasokh.org spaspokh.com wikipasokh.com pasokh.tv shobhepajouhi.ir



شبهات

شبهه شناسی گفتمان سازی و پاسخ گویی

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه) شماره بیست و نه | آبان ماه ۱۴۰۳

۲۹

منتشر شد

دین من، انسانیت؟!

این جمله را از گوشه و کنار، زیاد می شنویم که «دین من، انسانیت است» و عده ای هم با این جمله، چنان زشت روشنفکر مآبانه می گیرند که گویا چیزی را یافته اند که ادیان الهی، آن را بیان نکرده اند؛ اما واقعیت آن است که کسانی که چنین جمله ای را به زبان می رانند، نه درک درستی از دین دارند و نه فهم صحیحی از انسانیت و نه حتی معنای این جمله را می دانند. این عبارت، دانسته یا نادانسته، دین را از خاستگاه الهی آن جدا نموده، آن را امری بشری تلقی می کند و بایشی دانستن دین، رابطه انسان با خدا و وحی، قطع شده، به ناچار، دانش و عقل بشری، ملاک تنظیم قواعد دین قرار می گیرد. نتیجه معیار قرار گرفتن انسان بریده از وحی و خدا، همانی است که امروز در تمدن غرب، نظاره گر آن هستیم؛ یحیران های متعدد فردی، خانوادگی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و....، بیماری های روحی، افسردگی ها، ابتذال و فحشا، جنایت، رسمیت بخشیدن به همجنس بازی، ازدواج با محارم و حیوانات و... که پایانی برای آن جز سقوط انسانیت، نمی توان متصور بود.



شما نگاه نکنید!

شبهه: وقتی به برخی از زنان گفته می شود چرا خود را نمی پوشانید، یا اعتراض می گویند: خُب شما نگاه نکنید! چرا برای راحتی شما، آزادی ما باید محدود شود؟ چه دلیلی دارد که برای آسایش یک عده، گروه دیگری به زحمت بیفتند؟ اگر گروهی خواستند آزادانه در جامعه عریه بکشند، سنگ پرتاب کنند، حرف زشت بزنند، زباله و کثافت پخش کنند و... آیا شما حاضرید برای راحتی و آزادی آنها، خود را محدود کنید؟ اگر پاسخ منفی است، با توجه به قوانین پذیرفته شده در کشور، این سخن درستی نیست که من می خواهم با این ظاهر خاص، در جامعه حرکت کنم و هر کس مایل نیست، می تواند نگاه نکند یا چشم ببندد. بلکه باید طرفین بر اساس قوانین الهی و جامعه عمل کنند.



وفاق ملی، شاخص ها و بایسته ها

در سطح ملی، ارزش های اسلامی و انقلابی، قانون، منافع ملی، عزت و اقتدار کشور، عدالت، پیشرفت، مقابله با سلطه جویان و دفاع از مظلومان، معیارهایی هستند که مردم در طول حیات انقلاب اسلامی، از آنها دفاع کرده، روی آنها ایستادگی و پافشاری نموده، به خاطر آنها هزینه های فراوانی پرداخت کرده اند. از این جهت، وفاق ملی باید حول محور این شاخص ها - که همان مبانی و ارزش های اسلامی و انقلابی هستند - شکل بگیرد. وفاق ملی بدون توجه به اصول و مبانی نظام، معنا ندارد. مردم ما با هر فرد و جریانی که به این مبانی و اصول، پایبند باشد، همدل و همراه هستند؛ اما با افراد و جریان هایی که بر خلاف این اصول، گام بردارند، هم سو نخواهند بود. اینکه با کم رنگ جلوه دادن خطوط قرمز نظام، تلاش کنیم دایره وفاق ملی را چنان گسترده کنیم که حتی خائنان به نظام و کشور و مردم را نیز دربر بگیرد، نه تنها دلسوزی نیست، بلکه دانسته یا نادانسته، خیانت به ملت و ارزش ها و اصول اسلامی و انقلابی است که مردم ما پای آن ایستادگی کرده اند.



مقاومت یا سازش؟ کدام کم هزینه تر است؟

در رویارویی با دشمن، عده ای راه مقاومت را بر میگزینند و عده ای در پی کنار آمدن با دشمن برای در امان ماندن از دشمنی او هستند. گرچه به ظاهر، راه سازش با دشمن، نسبت به مقاومت، هزینه ندارد و یا لاقط بعضی چنین تصویری دارند؛ اما با اندک تأملی در مواجهه دشمنان با اصحاب مقاومت و سازش، این واقعیت روشن می شود که هزینه ای که سازش با دشمنان دارد، به مراتب بیشتر از هزینه مقاومت است. اگر هزینه مقاومت، تحمل فشارهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دشمن است، با مقاومت، هویت و فرهنگ ملی و دینی در برابر دشمن، حفظ شده، مرزبندی مشخص با دشمن، موجب تثبیت مسیر و مقصد و زنده ماندن آرمان ها خواهد شد؛ اما هزینه کنار آمدن با دشمن، شکسته شدن روحیه مقاومت و از بین رفتن عزت و استقلال است که تخریب هویت و فرهنگ و ارزش ها و آرمان ها را به همراه خواهد داشت. سازش و کنار آمدن با دشمن، جایی معنا و منطق پیدا میکند که دشمنی و اختلاف، بر روی مسائل فرعی و جزئی باشد که با گفت و گو و مذاکره، قابل حل باشد و با عقب نشینی موقت، ضربه ای به اصول و ارزش ها نخورد؛ اما اگر دشمنی، بر روی اصول و بنیانهای هویتی یک ملت باشد، در این صورت، کنار آمدن، یعنی نادیده گرفتن اصول و ارزش ها و با عقب نشینی در آنها، چیزی از هویت جامعه باقی نخواهد ماند.

